



پرونده

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۹ ■ ۶ مرداد ۱۴۰۱

نوجوان  
بازار

یادداشت کارشناس

## خیال؛ آری یانه؟



فاطمه  
سلیمانی  
کارشناس  
ارشد مشاوره

با توجه به نظریه پیاژه نوجوانی که وارد مرحله تفکر عملیات صوری می شود، می تواند یک سری راه های فرضی متفاوت از واقعیت های موجود را در ذهن خود ترسیم کند و حتی گاهی واقعیت موجود در عالم هستی را نپذیرد. تفکر ایده آلی این نوجوان که به نوعی ریشه در رشد شناختی او و رسیدن به تفکر انتزاعی دارد به احساس شکاف عمیقی بین واقعیت های موجود و ایده آل های ذهن او منجر خواهد شد. از طرفی ورود به فضای مجازی امکان انجام رفتارهایی را به نوجوان می دهد که ضرورتاً در دنیای واقعی آنها جایی ندارد. مانند فرآیند نقش بازی کردن که فرد با استفاده از مکانیسم همانندسازی (identification) دیالوگ ها و رفتار شخصیت مورد علاقه اش را الگو قرار می دهد و سعی در تطابق خود با آنها دارد و در واقع از طریق همانندسازی با شخصیت های برجسته احساس ارزشمندی می کند. به رغم همانندسازی با شخصیت های برجسته، مکانیسم دیگری که به وفور در بین افراد به خصوص نوجوانان می توان یافت: خیالپردازی Fantasy است. که به خودی خود به هیچ وجه بد نیست اما تا جایی که کیفیت هدایایی پیدا نکنند و زندگی روانی نوجوان را تحت تأثیر قرار ندهد. نوجوان در خیالپردازی به نوعی فانتزی روی می آورد. فانتزی در واقع تصور موقعیتی است که امیال و اهداف فرد را آشکار می سازد. این موقعیت می تواند یک موقعیت غیرواقع بینانه و فضایی یا یک موقعیت واقعگرایانه باشد. به عقیده دانشمندان، یک فانتزی پیرامون آرزوهایی چندگانه و اغلب سرکوب شده شکل می گیرد و میل را به صورتی تغییر شکل یافته و از طریق فرآیندی دفاعی نمایش می دهد. تمایل سوژه به حفظ فاصله با آرزوی سرکوب شده و تجربه کردن آن به صورت همزمان، امکان تجربه ای چندگانه از فانتزی را فراهم می آورد. به عبارت دیگر زمانی که نوجوان در ارضای نیاز و آرزویش پدیده نا کامی را تجربه کند و محروم بماند، به این مکانیسم متوسل می شود. انگار که همه آرزوها و تمایلات ارضا نشده اش در عالمی که در ذهن خود ساخته، ارضا یا در حال برآورده شدن هستند. برای مثال نوعی بازی فکری که نوجوان خود را در نقشی مورد علاقه قرار داده و هیجان انگیزتر از قهرمان واقعی داستان، به انجام رفتاری می پردازد. در اهمیت خیال می توان گفت که اکثر اختراعات و ابداعات در اثر همین قوه تخیل و خیال به وجود آمدند اما نه به اندازه ای که به برداشت ذهنی نادرست و کاذب فرد از خود و جهان اطرافش منجر شود؛ چرا که آذر، بنیانگذار مکتب روان شناسی فردی، در باب خیال انگاری معتقد است این برداشت های ذهنی فرد هستند که رفتار و شخصیت او را شکل می دهند. همان طور که وی پیکنر معتقد است خیال ها، عقایدی هستند که وجود واقعی ندارند اما به گونه ای بر فرد اثر می گذارند، انگار که وجود دارند. بنابراین نباید تاحدی باشد که تماس نوجوان با واقعیت از دست برود.

## از خودت فرار نکن



نمایشنامه خوانی در مدرسه از جمله علایق من و دوستان خیالپردازم بود که به خاطرش کلاس ها را به معنای واقعی کلمه می پیچانیدیم. ما خوشحال بودیم که از شر درس های خشک و واقعی خلاص می شویم و می رویم سراغ دنیایی که هر کدام تصور می کردیم یکی از آن شخصیت ها هستیم و همراه شان تجربه های جدید به دست می آوریم و دیالوگ های خفن نویسنده را برای خودمان مالک می شدیم. اما اتفاقی که چند سالی است که به آن برخورد کرده ام رول بازی کردن در فضای مجازی است. در این نوع نقش بازی کردن قرار نیست نمایشنامه نوشته شده را بخوانی زیرا باید



نمایشنامه خودت را بسازی. قضیه از این قرار است که پشت گوشی در خیالت یک هویت دیگر برای خودت انتخاب می کنی و با آن در دنیایی خیالی که با رفیق های مجازی ات ساخته ای داستانی را در لحظه خلق می کنی. مادر نمایشنامه خوانی با کمک خیال لحظاتی را در ادبیات سیر می کردیم و یاد می گرفتیم و تجربه های دیگران را می خواندیم اما نقش بازی کردن به نظر می رسد بیشتر راهی برای فرار از هویت فعلی با استفاده از خیال باشد.

## یک قدرت تمام نشدنی



دانشمندان اعتقاد دارند اگر خیال نبود، هیچ پیشرفتی هم صورت نمی گرفت. یعنی اگر ما موجوداتی بدون خیال بودیم، یحتمل در همان عصر غارنشینی می ماندیم والان داشتیم فکر می کردیم برای گرم شدن چه گلی بر سرمان بریزیم، در حالی که نه می توانستیم با همدیگر صحبت کنیم و نه می دانستیم آتش چیست. خیال قدرت لایتنای ذهن است که برادران رایت به کمکش توانستند پرواز کنند و ژول ورن به یاری اش آثاری خلق کرد که جهان در راه رسیدن به تصورات این ذهن خلاق به پیشرفت رسید. خیال حتی در تصمیمات ما در زندگی نقش دارد، هر چقدر تصمیمی که می خواهیم در زندگی بگیریم سخت تر و مهم تر باشد بیشتر آن را با کمک قوه خیال در ذهن مان تصور می کنیم و نتیجه اش را می سنجیم. مثلاً موقع انتخاب رشته خودمان را در شغل های مختلف متصور می شویم و بعد از ذوق بسیار از تصور پوشیدن روپوش سفید یا عکس فارغ التحصیلی جلوی سردر دانشگاه دولتی نگاهی هم به رتبه کنکورمان می اندازیم. آن وقت است که می فهمیم، خیال کاربردهای زیادی دارد ولی آن رتبه را که تغییر نمی دهد متأسفانه، واقعیت جریان دارد.



معصومه سادات رضوی  
یزد

## غرق در خود

اگر یک روز دنیا های موازی با هم تلاقی پیدا کنند، من غرق می شوم! غرق در خودم! خودی که همیشه دوست داشتم باشم. آن دخترک عهد زمان های دور، همانی که پوشیه سفید بر سر می زد، که مکتب می رفت، خط می نوشت، داستان های هزار و یک شب از بر می کرد و کتاب حافظ را جرعه جرعه می نوشید و سیراب از کلمات می شد. همانی که از دکان آسید پارچه دامنی ترمه خریده بود و از زرگری میرزا نجفی النگوی طلا. همانی که شب ها در پشت بام، ستاره ها و مهتاب ها را سیرنگاه می کرد و روزها از درون نورگیر سرداب، خورشید را. دخترکی که بشقاب های گل سرخی خواهر بزرگترش را و ارس می کند، رخت های ترمه می دوزد، جلیر چرمی قرآن را می بوسد، کاسه سفالی را پر از آب قنات می کند، پره های گل یاس را درون کاسه می ریزد و با اشک شوق و آه دلتنگی، خواهرش را راهی خانه بخت می کند. همانی که روزنامه وقایع اتفاقیه امیر کبیر را می خواند و از دلتنگی حج طولانی پدرش می نوشت. این دنیا ی موازی من است که روزها از آن می نویسم و شب ها به آن فکر می کنم. دنیایی که اگر یک روز بتوانم به آن سفر کنم، همه چیزم را رها می کنم و با شوق به سمتش می دوم!

